ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۱۳۰۰_۸۸۵۰ _۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۰ - شماره ۶۷۷۸

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

WWW.INN.IR

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

چگونه مانچینی ایتالیا را به تیمی شکست‌ناپذیر تبدیل کرد؟

برای کشور فوتبالی پرافتخار و مغروری چون ایتالیا، ناکامی تحقیرآمیز در راه صعود به جام جهانی ۲۰۱۸ شاید باعث شد که مربیان بیشترین فاصله ممکن را از نیمکت این تیم بگیرند اما این موضوع درباره روبرتو مانچینی صدق نمی‌کرد. او نگاهی به زیرساخت‌های کشورش انداخت و قفقونسی را دید که آماده بود تا از خاکسترش برخیزد و به همین دلیل در مه ۲۰۱۸ جانشین جان پیرو ونتورا و دوران فاجعه بارش روی نیمکت این تیم شد.

از آن زمان سه سال گذشته است و او گروهی کم‌رمق از بازیکنان با عملکردهای ضعیف را به مدعیان واقعی یورو ۲۰۲۰ تبدیل کرد که ۲۵ بازی بدون شکست را پشت سر گذاشته‌اند. رمز احیای آنها چه بود؟ مانچینی، سرمربی سابق منچسترسیتی مدعی شد: «استعدادهای جوان، اشتیاق و اعتماد.»

طرح کلی مانچینی برای ایتالیا حول محور انتظار برای رشد نسل بعدی بوده است- خصوصاً شکست یک- صفر آنها در یلی آف جام جهانی برابر سوئد در سال ۲۰۱۸، با بازنشستگی بسیاری از بازیکنان شامل جان‌لوییجی بوفون، جورجیو کیه‌لینی، آندره آبارزالی و دنیله ده‌روسی همراه شد.

بنابراین او باید برای بازسازی یک امپراطوری سقوط کرده تلاش می‌کرد- با بنیان مستحکمی از بازیکنان جوان پرعطش که در قلب این مأموریت قرار داشتند. او در اولین فهرست اعلام شده‌اش از نیکولو زانیولو دعوت به عمل آورد و این کار را حتی پیش از درخشش او با پیراهن رم انجام داد. مانچینی به دنبال بازیکنانی بود که می‌دانستند پوشیدن پیراهن لاجوردی چه معنایی دارد.

او بازیکنانی را از باشگاه‌های میانه جدولی مانند ورونا و اسپتزیا دعوت کرد که پیش از آن هرگز جایی در فهرست تیم ملی نداشتند- بیش از ۳۰ بازیکن اولین بازی ملی خود را تحت رهبری او انجام دادند.

جان‌لوییجی دوناروما در حالی که هنوز نوجوان بود، خیلی زود به شماره یک تیم ملی تحت هدایت این مربی تبدیل شد و او همچنین از فدریکو کیه‌زای یوونتوس، نیکولا بارلا و استفانو سنسی اینتر، ساندرو تونالی میلان و مویزه کین پی‌اس‌جی استفاده کرد. تیم بازسازی شده او شاهد حضور جرجینیو به عنوان نقطه اتکا در قلب خط میانی در کنار مارکو وراتی بود، جیرو ایموبیله در نوک خط حمله قرار داشت و از سوی لورنزو اینسیه و فدریکو برناردسکی حمایت می‌شد.

آغاز دوران حضور او با نتایج متفاوتی همراه بود. او در اولین بازی خود به سختی و با نتیجه ۲- یک از سد عربستان سعودی عبور کرد؛ سپس با حساب یک- ۳ مقابل فرانسه شکست خورد و پس از آن با هلند یک- یک مساوی کرد. باخت به فرانسه مشکل ایتالیا را به خوبی نمایان کرد- فرانسه بازیکنانی چون پل پوگبا، کیلیان امباپه و آنتوان گریزمان را در اختیار داشت؛ در حالی که تیم او هنوز الماسی در حال صیقل خوردن بود. گل دادن بذر هزمان می‌برد و مانچینی می‌دانست که باید صبور باشد.

تمرکز اصلی او این بود که همه چیز را در جای درست قرار دهد و سهمیه حضور در یورو را به دست آورد. لیگ ملت‌ها در بهترین حالت عاملی برای حواس پرتی بود. آنها در اولین سال برگزاری این مسابقات با یک گل برابر پرتغال، قهرمان نهایی رقابت‌ها، شکست خوردند و در گروه‌شان پس از این تیم در رده دوم قرار گرفتند.

اما آن بازی در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۸ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود- چون این آخرین باری بود که بازیکنان مانچینی طعم شکست را چشیدند. وقتی مسابقات انتخابی یورو در مارس ۲۰۱۹ آغاز شد، آنتزوری از شرایط دشوار گذشته عبور کرده بود. همه چیز با پیروزی ۲- صفر برابر فنلاند آغاز شد- کین و بارلا، ستارگان جوان تیم، با گلزنی در این دیدار، آغاز دوران جوانگرایی مانچینی را اعلام کردند.

آنها با پیروزی در هر ۱۰ بازی به کارشان ادامه دادند تا به نوعی مسابقات انتخابی یورو را به سخره بگیرند و خیلی زود خاطرات ناراحت‌کننده از دیدار برابر سوئد را با قرار گرفتن در رده اول و اختلاف ۲۲ امتیازی با فنلاند، تیم دوم جدول، به دست فراموشی بسپارند. این روند باورنکردنی شامل پیروزی ۶- صفر برابر لیختن‌اشتاین و درهم شکستن ارمنستان با نتیجه ۹- یک بود. این دیدار برگل‌ترین پیروزی آنها پس از سال ۱۹۴۸ به حساب می‌آمد.

اما مانچینی چگونه الهام‌بخش چنین تغییر دراماتیکی در شرایط تیم ملی ایتالیا شده است؟ او برای شروع از سبک پاسکاری سنتی استفاده کرد که جا افتادن کاملش به تیم او اجازه می‌دهد تا از سوت آغاز بازی سلطه کاملی بر دیدار داشته باشد.

عامل دیگر بالا نگه داشتن روحیه است. مانچینی در زمان حضور در اردوها موسیقی‌های انگیزشی برای اعضای تیمش پخش می‌کند- گفته می‌شود آهنگ زندگی را دوست دارم از رابی ویلیامز یکی از آهنگ‌های محبوب است- و با استقبال ویژه از کسانی که برای اولین بار به تیم ملی دعوت شده‌اند یا اولین بازی ملی خود را انجام می‌دهند، به آنها روحیه می‌دهد.

لئوناردو بونوچی- یکی از باتجربه‌ترین بازیکنان باقی مانده در تیم با ۳۳ سال سن- از مانچینی بابت ایجاد جو «خانوادگی» در ترکیب ایتالیا تمجید کرد و گفت که تمامی بازیکنان از پوشیدن پیراهن تیم ملی کشورشان احساس شعف و شادی می‌کنند.

او پس از پیروزی ۲- صفر برابر یونان در سال ۲۰۱۹ که حضور آنها در یورو را قطعی کرد، گفت: «ابطه مستحکمی بین بازیکنان و مانچینی شکل گرفته است. هیچکس هرگز دیر نمی‌کند، هیچ کلام نامربوطی مطرح نمی‌شود. این فقط جمعی از بازیکنان نیست بلکه یک تیم واقعی است. وقتی پیراهن آتزوری را برتن می‌کنیم، همگی احساس شعف و اشتیاق داریم، حس می‌کنیم مثل یک خانواده متحد هستیم.»

این تیم در جریان آن پیروزی برابر یونان پیراهن جدید سبز تیره «رنسانس» را برتن داشت- حرکتی عجیب برای تیمی که با لقب لاجوردی‌پوشان شناخته می‌شود اما این نشانگر تغییر نگرش‌های موجود در تاریخ این کشور فوتبال‌دوست است.

رنسانس به معنای «احیا یا بازسازی علاقه به چیزی» است و بدون شک هواداران ایتالیایی اکنون بیش از تحقیر برابر سوئد با این تیم همراه هستند. این پیراهن منتقدان خودش را در آن زمان داشت اما به عنوان نمادی از تغییر تیم تحت هدایت مانچینی ماندگار خواهد شد.

افراد زیادی احتمال قهرمانی آنها در این مسابقات را نمی‌دهند- آنها در حال حاضر به عنوان هشتمین مدعی قهرمانی از سوی BetFair اعلام شده‌اند- اما «رم یک روزه ساخته نشد». مردان مانچینی جهش‌های بزرگی پس از عدم موفقیت در کسب سهمیه حضور در روسیه داشته‌اند اما همگی آنها گام‌های کوچکی در مسیر تبدیل دوباره به یکی از قدرت‌های بزرگ جهان است.

کار آنها در مرحله گروهی چندان دشوار نیست- با حضور ترکیه، ولز و سوییس- پس عیار آنها در مرحله حذفی مشخص خواهد شد زیرا تجربه آنها از رویارویی با رقبای قدرتمند تحت هدایت مانچینی زیاد نیست.

تیم مانچینی تجربه چندانی ندارد و از ستاره‌های آماده درخشش ساخته نشده اما رقابت‌های این تابستان بهترین فرصت را به نسل جدید بازیکنان او می‌دهد تا نشان دهند چقدر پیشرفت کرده‌اند. آنها می‌توانند جای خالی بازیکنان بزرگ را با ارزش‌های مانچینی مانند استعدادهای جوان، اشتیاق و اعتماد پر کنند.

(خلاصه مطلبی که پیشتر در سایت هفت یک منتشر شده است)

عکس روز

پنالتی تمسخرآمیز!

این یکی از صحنه‌های عجیب فوتبال ملی انگلیس است. جردن هندرسون در بازی دوستانه با رومانی به صورت بار تعویضی به میدان آمد و وقتی داور برای دومین بار برای سه شیرها پنالتی گرفت، به اصرار توپ را از دومینیک کالورت‌لوین گرفت تا اسم خودش را در لیست گلزنان ثبت کند. هندرسون پنجاه و نهمین بازی ملی‌اش را تجربه می‌کرد و هرگز پایش به گل باز نشده بود. هیچ هافبکی در فوتبال انگلیس با این تعداد بازی، در امر گلزنی ناموفق نبوده و هندرسون هم قصد طلسم‌شکنی داشت. اما ضربه ضعیف او باعث شد تا تبدیل به سوژه خنده کاربران انگلیسی در توییتر شود.

کاریکاتور

کوین دی بروینه برای دومین سال پیاپی به عنوان بهترین بازیکن لیگ برتر معرفی شد. اتفاقی که قطعاً باعث ناراحتی هری کین شده. مهاجم تاتنهام در این فصل هم بهترین گلزن مسابقات بود و هم بهترین آمار پاس گل را داشت اما در نهایت جایزه بهترین بازیکن به او نرسید. شاید اگر با تاتنهام جام می‌گرفت وضعیت فرق داشت.

در چنین روزی

۱۸ خرداد ۱۳۸۱

بهت ایتالیا از شکست مقابل کرواسی

پس از شکست ۲ بر یک تیم ملی فوتبال ایتالیا مقابل کرواسی در چارچوب رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲ در ژاپن، سراسر این کشور در سکوت و بهت این ناکامی فرو رفت.

شبکه‌های مختلف تلویزیونی و دیگر منابع خبری ایتالیا با توصیف این شکست، به عنوان ناکامی تلخ تیم ملی کشور خود، به تحلیل این دیدار پرداخته‌اند.

انتقاد بسیاری از این گزارش‌ها، متوجه «جیووانی تراپاتونی» مربی ۶۳ ساله تیم ملی فوتبال ایتالیاست که خط حمله ثابت تیم خود را بر اساس حضور کریستین ویه ری و فرانچسکو توتی سازماندهی کرده است.

منتقدان تراپاتونی اعلام کرده‌اند مدافعان تیم‌های حریف، با شناخت از بازی «توتی» و «ویه ری» در خط حمله، این دو مهاجم را به راحتی خنثی می‌کنند.

براساس این گزارش‌ها، توانایی و فرارهای آلساندرو دل پیه رو، مونتلا و فیلیپو اینزاگی دیگر مهاجمان تیم ایتالیا، می‌تواند خط حمله این تیم را تقویت کند.

همچنین بر اساس گزارش‌های رسیده از سراسر ایتالیا، هنوز سکوت قبل از آغاز این بازی، به خیابان‌ها و معابر شهرهای مختلف این کشور حاکم است.

بسیاری از ایتالیایی‌ها که در مکان‌های عمومی، سالن‌ها و فضاهای شهری، دیدار تیم ملی کشور خود را مقابل کرواسی، به صورت مستقیم از طریق صفحه‌های بزرگ نمایشگر تلویزیونی مشاهده می‌کردند نیز از فرط ناراحتی گریستند.

تک به تک

مازیار گیلکان

بازارکار آسیایی مربی ایرانی، ماجرایی دور از ذهن

مربی ایرانی برای اینکه بتواند بازاری بیرون از ایران داشته باشد، باید به ابزارهایی مجهز شود که قدم‌های مهم برای رسیدن به آنها برداشته نشده است. این قدم برداشتن هم جنبه شخصی دارد و هم جنبه عمومی در فدراسیون فوتبال ایران.

مربیان ایرانی اغلب اهل تحقیق درباره حرفه خود نیستند. اغلب آنها نه فرصتی برای این کار اختصاص می‌دهند و نه حاضرند در این مسیر هزینه کنند. آنها که فرصت‌های شغلی در مربیگری را آسان به دست می‌آورند، سهل‌انگارترند. به این معنی که از وجوه اشتهار و اعتبار خود بهره می‌برند و نیاز چندانی برای آموختن حس نمی‌کنند.

اما جریان مهم‌تری باید در فدراسیون فوتبال وجود داشته باشد که قدرت کافی برای پرورش مربی را ندارد. کمیته آموزش فدراسیون فوتبال همواره باید جریان زاینده و هوشیاری باشد که درها را به روی مربیان مستعد بگشاید و آنها را در معرض آموزش قرار دهد اما در فدراسیون فوتبال از گذشته تا امروز، کمیته آموزش مسئول برگزاری کلاس‌هایی بوده که کیفیت کافی برای پرورش مربی ندارد و مدرسانی در این کلاس‌ها آموزش می‌دهند که خود در معرض آنچه در فوتبال روز می‌گذرد، نیستند.

در تاریخ فوتبال ایران فقط چند کلاس مربیگری سازنده نسلی از مربیان بود و در پرورش چهره‌های مؤثر مربیگری نقش داشت، باقی کلاس‌ها انگار محلی برای صدور کارت مربیگری است.

ادعای یحیی گل‌محمدی یا هر مربی ایرانی دیگری مبنی بر اینکه بازار کار بیرون از فوتبال ایران دارد، به این دلیل باورکردنی نیست که چنین بازاری با توجه به کیفیت مربی ایرانی تا امروز تجربه نشده است.

فارغ از چند مثال در تاریخ فوتبال ایران و چند فرصت کاری بیرون از ایران برای چند مربی ایرانی، بازاری پویا برای مربی ایرانی در آسیا هم وجود ندارد و به همین دلیل است که ادعای یحیی گل‌محمدی درباره پیشنهاد از قطر دور از ذهن به نظر می‌رسد.

چنین فرصت‌هایی البته با موفقیت‌های آسیایی باشگاه‌ها می‌تواند مهیا شود و اعجاب‌آور هم نیست اما تا امروز صورت واقعی پیدا نکرده است و طرحش به بازارگرمی شباهت پیدا می‌کند.

پرونده

گزارش یک

سام ستارزاده

صادرات مربی؛ رؤیای دیرینه لیگ برتر

سرنخواستن‌شان دعواست!

بازار بازیکنان ایرانی از چند دهه گذشته تاکنون برای کشورهای متعددی همواره داغ و جذاب بوده؛ به گونه‌ای که حتی در لیست ۲۳ نفره تیم ملی برای دور مقدماتی جام جهانی، ۱۴ لژیونر از پرتغال، بلژیک، قطر و کشورهای متعدد دیگری به چشم می‌خورند.

با این حال، وقتی صحبت از بازار مربیان داخلی به میان می‌آید، روایت به طرز جالب توجهی معکوس می‌گردد.

تعداد مربیان ایرانی که تجربه مربیگری در آن سوی مرزهای کشورمان را داشته باشند، به‌سختی به تعداد انگشتان دو دست می‌رسد؛ لیستی کوتاه که اعضای آن یا مانند الکساندر نوری و افشین قطبی دورگه هستند و یا در کشورهایی مشغول به فعالیت شدند که شهرت و اعتبار فوتبالشان از فوتبال ایران به‌مراتب پایین‌تر است. حتی در فوتبال باشگاهی کشورمان، جمله «سر نخواستنش دعواست» در مورد بسیاری از مربیان باسابقه داخلی صدق می‌کند. با این حال، در چند سال گذشته، چند نام جذاب بازار سرمربیان داخلی در رسانه‌ها به بهانه نزدیک شدن آنان به یک پست در آن سوی آب پررنگ شد.

جواد نکونام پیش از پایان دوره بازیگری‌اش، از باشگاه سابقش در لالیگا، اوساسونا پیشنهادی برای کار در تیم‌های پایه دریافت کرد که آن را نپذیرفت. در همان سال‌ها، گفته می‌شد باشگاه اسپانیول موقعیت مشابهی را به فرهاد مجیدی پیشنهاد داده است.

گاهی نیز چنین اظهاراتی در این باب از سوی خود مربیان مطرح می‌شد تا به سوژه بحث و حتی طنز فضای مجازی بدل گردند؛ نظیر علیرضا منصوریان که در بحبوحه لیگ شانزدهم مدعی شد پیشنهادی از لیگ چمپیونشیپ انگلستان دریافت کرده.

گاهی نیز چنین اخباری به طرز عجیبی توسط ما باور می‌شود؛ نظیر پیشنهاد یک باشگاه اروپایی (به احتمال بالا، اورتون که مالک ایرانی الاصل دارد) به علی دایی برای سمت مشاور ورزشی اما در نهایت، بیشتر این دست اخبار به اندازه شوخی رضا عنایتی در برنامه تلویزیونی درمورد تجربه حضورش در بارسلونا، غیرواقعی و غیرعملی باقی ماندند.

یحیی گل‌محمدی آخرین سرمربی ایرانی است که دست به چنین ادعایی زده. صحبت از پیشنهاداتی که از قطر داشته و به آن دست رد زده.

البته، در میان مربیان تازه‌کار و کارکشته فوتبال ایران، تنها نامی که می‌توان حضورش در فضایی بزرگ‌تر از فوتبال ایران را متصور شد، همین امپراطور فعلی نیمکت سرخ ها ست.

گل‌محمدی دانش فنی خود و کادر تماماً ایرانی خود و البته توانایی‌اش در مدیریت بحران و تزریق انگیزه، یکدلی و روحیه جنگندگی به تیم را با شکل دادن تیمی منسجم که با کمتر از یک دهم هزینه باشگاه‌های متمول قطری و سعودی، خود را به فینال لیگ قهرمانان آسیا رساند، اثبات کرد. دور از انتظار نیست اگر باشگاه‌هایی از قطر، چین و کشورهای معتبرتر، دیر یا زود خواهان جذب وی باشند.

در حالت کلی اما، صادرات مربی به ورای مرزها از بازیکن به مراتب دشوارتر است. اگر یک بازیکن به صرف مستعد بودنش از قاره سبزخواهان داشته باشد، یک سرمربی بدون پیمودن یک فرآیند آکادمیک حتی مورد توجه کشورهای خارجی که لیگ فوتبال حرفه دارند، قرار نمی‌گیرد.

از همین رو، در کشور ما که سازوکاری برای پرورش اصولی سرمربی با دانش روز فوتبال وجود ندارد و معدود سکانداران ایرانی موفق آن نیز با هزینه شخصی اصول مربیگری را فرا گرفته‌اند، حتی رسیدن به نیمکت تیم‌های بزرگ ایرانی بدون تصویب قانون حساب نشده منع جذب مربیان خارجی برای سرمربیان ایرانی امری نزدیک به محال است.

منکر روند روبه‌رشد تیم فوتبال پرسپولیس در دوران سکانداری یحیی گل‌محمدی بر عرشه کشتی سرخ نمی‌توان شد اما آیا این سرمربی به‌تنهایی تیمش را به اینجا رسانده؟

پنالتی

سامان موحدی راد

مربیان ایرانی و نیمکت‌های بین‌المللی

یک علامت سؤال بزرگ

از اواسط دهه ۷۰ شمسی که پای نسل جدید فوتبال ایران بعد از انقلاب به فوتبال دنیا باز شده، همیشه حضور یک ایرانی در فوتبالی خارج از تمسفر فوتبال ایران جذاب به نظر می‌رسیده و مورد توجه فوتبال‌دوستان بوده است. چه از آن سال‌هایی که علی دایی و خداداد عزیزی و کریم باقری به عنوان سه محصول دسته اول فوتبال ایران راهی آلمان شدند، چه سال‌ها بعد که لیگ‌های معتبر و یا درجه ۲ اروپایی پر از بازیکن ایرانی شد. حتی ستاره‌هایی از نسل دوم مهاجران ایرانی در خارج از کشور هم در دهه ۸۰ شمسی پای‌شان به تیم ملی باز شد و در برخی موارد تعدادشان قابل توجه بود. موضوع ثابت اما در همه این سال‌ها حضور و نمایش یک ایرانی در فوتبالی حرفه‌ای‌تر از فوتبال ایران بود.

ایرانی‌ها در این سال‌ها روی نمودارهای صعودی و نزولی فراوانی حرکت کردند. روزگاری تعدادشان در لیگ‌های سطح یک اروپایی بالا بود و روزگاری به حضور در بلژیک و یونان قناعت کردند. با اینکه فوتبال ایران کم‌کم در این سال‌ها جای خودش را در فوتبال حرفه‌ای دنیا باز کرد و جاهای خالی زیادی را در این عرصه پر کرد اما همیشه جای یک سؤال درباره فوتبال ایران باقی بود. چرا مربی‌های ایرانی نمی‌توانند در محیطی غیر از فوتبال ایران رشد کنند. چطور بازیکنان ایرانی در فوتبال حرفه‌ای آسیا و اروپا پذیرفته می‌شوند اما مربی‌های ایرانی جایی در این لیگ‌ها ندارند؟ حتی در لیگ‌هایی مثل کشورهای حاشیه خلیج فارس هم به جز معدود نمایش‌هایی در سطح دوم این لیگ‌ها، مربی‌های ایرانی به جایی نرسیدند.

نگاهی به لیگ فوتبال کشورمان نشان می‌دهد اغلب تیم‌های ایرانی هم داشتن مربی خارجی را به مربی ایرانی ترجیح می‌دهند. بسیاری دور بودن از آموزش‌های آکادمیک مربیگری روز دنیا، ندانستن زبان انگلیسی برای مراجعه به منابع دسته اول و همچنین ذات فوتبال ایرانی را دلایلی برای عدم رشد مربی‌های ایرانی عنوان می‌کنند اما با همه این‌ها سؤال اینجاست که در این سال‌ها آیا فوتبال ایران حتی یک محصول در سطح لیگ‌های کشورهای همسایه هم نداشته است؟ جالب اینجاست که در این میان مربی‌های ایرانی، آنهایی که از نسل مهاجران هستند، مانند افشین قطبی یا الکس نوری موفقیت بین‌المللی بیشتری در پیدا کردن کار داشته‌اند. بخش مهم این مسأله بی‌شک به بستر حرفه‌ای که در آن رشد کرده‌اند، برمی‌گردد اما بی‌تعارف فوتبال ایرانی چنان است که مربی‌هایی پرورش می‌دهد که در جو فوتبال ایران ممکن است نمایشی خیره‌کننده داشته باشند اما جایی در فوتبال کمی سطح بالاتر را ندارند.

شاید پربیراه نباشد اگر بگوییم از میان مربی‌های حال حاضر ایران یحیی گل‌محمدی بهترین محصول فوتبال ما در چند سال اخیر است. یحیی به تازگی گفته که از لیگ قطر پیشنهاد مربیگری داشته اما آن را رد کرده است. سؤال مهم پیش روی فوتبال ایران این است که آیا بهترین محصول دنیای مربیگری ایرانی در چند سال اخیر هم در لیگی با سطح لیگ قطر می‌تواند موفق باشد؟ پاسخ را شاید به صورت نانوشته در ردِ این پیشنهاد از سوی یحیی باید جست!

رشته توئیت

میعاد نیک

سهم‌خواهی مبتدیانه در روز روشن

یک پیشنهاد شاخ‌دار!

ادعای سرمربی جوان تیم فوتبال پرسپولیس مبنی بر دریافت پیشنهاد همکاری از سوی یک تیم حاضر در لیگ ستارگان فوتبال قطر و البته رد کردن این درخواست توسط یحیی گل‌محمدی بیشتر از آنکه نزدیک به واقعیت باشد، بوی تند بازارگرمی و البته ناقوس هشدار برای مدیریت باشگاه پرسپولیس را با خود به همراه دارد. طی سال‌های اخیر و پس از عصر رنسانسی که در فوتبال باشگاهی و ملی قطر آغاز شد و به قهرمانی عنابی‌های صحرا در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۹ نیز انجامید، قطری‌ها نشان دادند که برای موفقیت در عرصه فوتبال از هیچ هزینه‌کرد و تلاش مضاعفی فروگذار نکرده و همواره به فکر تقویت خود در گستره فوتبال ملی و باشگاهی هستند. حالا و با عنایت به ترنوبل مالی فوق العاده بالا و سنگین لیگ ستارگان قطر، یحیی گل‌محمدی از ریجکت کردن پیشنهاد یک تیم فوتبال قطری که قطعاً متمول هم هست خبر می‌دهد. سرمربی جوان و موفقی که لااقل طی سال‌های اخیر اگر نگوییم گران‌ترین، یکی از گران‌ترین سرمربیان لیگ برتر فوتبال ایران بوده و حرف‌وحدیث‌های بسیاری هم پشتِ مفاد قراردادش با سرخ‌پوشان وجود دارد، بارها و بارها نشان داده که اصلاً از پول بدش نمی‌آید. درواقع با افت شدید ارزش پول ملی و عدم نیاز به پرداخت مالیات توسط فوتبالی‌های کشور قطر، هرگونه پیشنهاد جذابی با موافقت از سوی ایرانی‌های حایز شرایط همراه بوده و مدرک اثبات آن نیز به کوچ دسته‌جمعی بازیکنان ملی‌پوش و موفق فوتبال کشورمان از لیگ‌های داخلی و حتی اروپایی به حاشیه خلیج فارس منتهی می‌شود.

از لیگی که پسوند ستارگان را با خود یدک می‌کشد و با ژاوی هرناندز افسانه‌ای، لوران بلان فرانسوی، صبری لاموشی باسابقه و میلان ماچلای بزرگ نام خود را پررنگ‌تر از لیگ